

بسم الله الرحمن الرحيم

صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

حکمت بلایا

۱ - مقدمه بحث

جهان همواره دستخوش تغییر و دگرگونی است و در واقع مجموعه‌ای است از خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، آسایش و سختی‌ها، درشتی‌ها و نرمی‌ها، پستی‌ها و بلندی‌ها و ... البته شاید این تنوع و فراز و نشیب در زندگی برخی افراد، کم و یا بیش‌تر از دیگران باشد؛ ولی نمی‌توان کسی را یافت که زندگی او همیشه به یک صورت و یک نواخت باشد.

سختی‌ها و بلاها ابعاد مختلفی دارد و برای هر کسی بسته به شرایط زندگی و اجتماعی یا وضعیت روحی، به‌گونه‌ای بروز می‌کند: بیمار شدن خود یا فرزند و یا یکی از نزدیکان، از دست دادن کسی که با او مانوس است، مرگ خویشان و نزدیکان، گرفتاری‌های مالی، بلاهای طبیعی مثل سیل و زلزله، مشکلات شخصی همچون ناسازگاری با همسر، غم و اندوه و پریشانی، غربت، تنهایی، ورشکستگی، ترس، اسارت، فقر و خلاصه هر آنچه بتوان نام بلا و سختی یا مصیبت و ناگواری بر آن نهاد، همگی از دو زاویه قابل مشاهده است.

اگر کسی به مشکلات و مصیبت‌ها فقط از زاویه جهان مادی نگاه کند، شاید بتواند برای هر کدام دلیلی مادی بیابد؛ مثل اینکه: خشکسالی را معلول نیامدن باران، مریضی به علت عدم رعایت بهداشت و ورشکستگی را نشانه‌ای بر عدم آگاهی از تجارت دانست.

اما از دیدگاه دین مبین اسلام، عوامل متعددی در این حوادث و بلاها اثرگذار مترتب است که علل مادی، تنها بخشی از آنها شمرده می‌شود. قرآن و ائمه: علل متعددی را برای گرفتاری و مصیبت‌ها ذکر نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۲ - آزمایش

یکی از حکمت‌های بلا این است که خداوند با سختی‌ها و بلاها بندگان را آزمایش می‌کند و در این آزمایش تنها کسانی که صبر پیشه می‌کنند پیروز و رستگار هستند. پروردگار متعال می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ [۱] قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت‌کنندگان!».

آزمایش الهی برای جداساختن و شناخته شدن راستگويان از مدعیان دروغگو و برای خالص و ناب گرداندن مؤمنین صورت می‌پذیرد. «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛ [۲] و به تحقیق کسانی که قبل از آنها بودند را نیز امتحان کردیم، پس خداوند هم کسانی که صادق هستند و هم دروغگویان را مشخص و معلوم می‌کند.»

موارد زیر از آیات و روایات بدست می‌آید:

الف. آزمایش‌های الهی همگانی است و مختص گروه خاص نیست. همه انبیا و اولیای الهی در معرض آزمایش‌های الهی قرار گرفته‌اند. قرآن مجید با اشاره به امتحان عمومی انسان‌ها می‌فرماید «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؛ [۳] آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟»

ب. امتحانات الهی به طرق مختلف صورت می‌پذیرد، چنانچه حضرت آدم (علیه‌السلام) با دستور نزدیک نشدن به درخت ممنوعه، و حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) با امر به ذبح فرزند، و برخی با خیر و شر، «وَوَبَّلْوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً؛ و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم».[۴] مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

آزمایش الهی برای جداساختن و شناخته شدن راستگويان از مدعیان دروغگو و برای خالص و ناب گرداندن مؤمنین صورت می‌پذیرد

در روایت است که امام محمدباقر (علیه‌السلام) نقل می‌فرماید: «دو فرشته از آسمان به زمین فرود آمدند، در بین هوا به هم رسیدند، یکی از آنها به دیگری گفت: برای چه فرود می‌آیی؟ گفت: خداوند عزوجل مرا به طرف دریای اهل ایل فرستاده، تا ماهی‌ای را صید نموده و به یکی از ستمکاران برسانم، چه آنکه وی از خداوند متعال ماهی این دریا را تقاضا و درخواست نموده است. از اینرو حق جلّ و اعلیٰ مرا مامور ساخته، نزد صیّادی که ماهی‌های آن دریا را صید می‌کند رفته، و او را به صید ماهی دریای مزبور ترغیب کنم تا بدین ترتیب، حق عزوجلّ آن ستمکار و کافر را به منت‌های آرزویش برساند. سپس او به رفیقش گفت: تو برای چه فرستاده شدی؟ گفت: خداوند عزوجلّ مرا برای امری عجیب‌تر از آنچه ترا به آن مبعوث نموده فرستاده است. من مامورم به سراغ بنده مؤمنش که روزه‌دار و قائم‌اللیل است و دعا و روزه‌اش در آسمان معروف و مشهور می‌باشد، بروم و ظرف غذایی را که وی پخته و برای افطارش آماده کرده واژگون نمایم تا بدین وسیله، آزمایش نهایی ایمان او صورت گرفته باشد».[۵]

ج. صبر و استقامت، استمداد از نیروی ایمان و الطاف الهی، و توجه به این حقیقت که همه حوادث در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد و او از همه چیز آگاه است، رمز پیروزی در امتحانات الهی است.

۲.۱ - انواع آزمایش

قرآن کریم برخی از آزمایش‌های الهی را که در مورد اقوام گذشته به عمل آمده اینگونه معرفی می‌نماید:

۲.۱.۱ - امتحان عقیدتی

در یکی از جنگ‌ها که دشمن به مدینه حمله کرده بود، مسلمان‌ها تحت فشار شدید قرار گرفتند؛ به نحوی که به خداوند متعال بدگمان شدند. در قرآن، خداوند این امر را ابتلایی برای مؤمنین محسوب می‌کند و پس از آن می‌فرماید که شما آنچنان از حیث اعتقادات در معرض خطر قرار گرفتید که اگر دشمنان بر شما چیره می‌شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به شما می‌دادند می‌پذیرفتید. خداوند حکیم می‌فرماید: «إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا... وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُنِّلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرٌ» [۶] (به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید. آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند ... (آنها چنان بودند که) اگر دشمنان از اطراف مدینه بر آنان وارد می‌شدند و پیشنهاد بازگشت به سوی شرک به آنان می‌کردند می‌پذیرفتند و جز مدت کمی (برای انتخاب این راه) درنگ نمی‌کردند.»

پس از آن که حضرت موسی (علیه‌السلام) برای مناجات با پروردگار، به کوه طور رفت، راز و نیاز او از سی شب، به چهل شب افزایش یافت، به این وسیله قوم او مورد آزمایش قرار گرفتند؛ ولی نتوانستند از این امتحان سربلند بیرون آیند؛ چراکه شرک، در بدترین صورتش دامن بنی اسرائیل را گرفت. قرآن کریم با بیان این مطلب می‌فرماید:

«قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» [۷] گفت ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت.»!

مهم‌تر آنکه قبل از این آزمایش، هارون جانشین حضرت موسی (علیه‌السلام) آن مردم را از چنین امتحانی مطلع ساخته بود؛ ولی آنها توجه نکرده و به پیروی از سامری به گوساله‌پرستی روی آوردند.

۲.۱.۲ - امتحان مالی

قرآن کریم در آیات متعدد به این آزمایش الهی اشاره می‌کند: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» [۸] اما انسان هنگامی که پروردگارش او را برای آزمایش، اکرام می‌کند و نعمت می‌بخشد (مغرور می‌شود و) می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشته

است! و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد (مایوس می‌شود و) می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است! »

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَا بَلَى اللَّهَ الْعِبَادَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنْ إِخْرَاجِ الدَّرَاهِمِ؛ [۹] خداوند بندگان را به چیزی مبتلا نکرده که سخت‌تر از انفاق درهم باشد.»

۲.۱.۳ - امتحان جانی

تاریخ گویای آزمایش بسیاری از انسان‌ها در جنگ‌ها بوده است. امتحانات الهی در جنگ‌ها انسان‌های مؤمن را از صف منافقان و ریاکاران جدا نموده است. مروی بر جنگ‌ها از صدر اسلام تاکنون، نشانگر آن است که برخی، تا زمانی ایمان دارند که کوچک‌ترین خطری آنان را تهدید نکند و برخی منافع مالی را بر یاری امام حسین (علیه‌السلام) ترجیح می‌دهند و برخی غنایم جنگی را بر دستور رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مقدم می‌دانند. خلاصه آنکه ترس از جبهه و جنگ، محاصره اقتصادی، کشته شدن عزیزان و ... موارد آزمایش افراد در جنگ‌ها بوده است. خداوند متعال در سوره محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با بیان اینکه؛ اگر ما بخواهیم می‌توانیم دشمنان را مجازات نماییم، جنگ را سبب آزمایش افراد معرفی کرده می‌فرماید:

«وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ؛ [۱۰] و اگر خدا می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد؛ اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید.»

۲.۱.۴ - امتحان خانوادگی

قرآن مجید همسر و فرزندان را امتحان الهی دانسته، می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ [۱۱] اموال و فرزندان شما فقط وسیله آزمایش هستند.»

بسیاری از کسانی که به ظاهر، پای‌بند به امور دینی و مسائل اخلاقی هستند، به هنگامی که پای فرزندان به میان بیاید گویی پرده‌ای بر افکارشان می‌افتد و تمام قوانین الهی و مسائل انسانی و عدالت، به دست فراموشی سپرده می‌شود. عشق به فرزند سبب می‌شود که حرام را حلال، و حلال را حرام بشمارند و برای تامین آینده خیالی او تن به هر کاری داده و هر حقی را زیر پا بگذارند؛ باید خود را در این میدان بزرگ امتحان، به خدا بسپاریم و به هوش باشیم که بسیار کسان، در این میدان لغزیده و سقوط کرده و نفرین ابدی را برای خود فراهم ساخته‌اند.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدًا إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّاخِطُ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِيَ بِقِسْمِهِ؛ [۱۲] کسی از شما نگوید خدایا از فتنه به تو پناه می‌برم! چه هیچکس نیست مگر اینکه در فتنه‌ای است، لیکن آنکه پناه خواهد از فتنه‌های گمراه کننده (به خداوند) پناه برد که خدای سبحان فرماید: «بدانید که

مال و فرزندان شما فتنه است» و معنی آن این است که خدا آنان را به مال‌ها و فرزندان می‌آزماید تا ناخشنود از روزی وی، و خشنود از آنرا آشکار نماید.

۳ - شکوفایی و تکامل

شکوفای شدن استعدادهای نهفته انسانی یکی دیگر از علل و حکمت‌های مصایب است؛ استعدادهایی که در آرامش و آسایش شناخته نمی‌شوند. چنانکه امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَفِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمُ جَوَاهِرِ الرِّجَالِ» [۱۳] در دگرگونی احوال گوهر مردان معلوم شود.

امام جعفر صادق (علیه‌السلام) در کلامی گهربار می‌فرماید: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ الدَّرَجَةُ لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ فَيَبْتَلِيهِ اللَّهُ فِي جَسَدِهِ أَوْ يُصَابُ بِمَالِهِ أَوْ يُصَابُ فِي وَلَدِهِ فَإِنْ هُوَ صَبَرَ بَلَغَهُ اللَّهُ إِيَّاهَا؛ [۱۴] (ممکن است) برای بنده‌ای در نزد خدا درجه و رتبه‌ای باشد که از طریق عملش به آن درجه نمی‌رسد، پس خداوند او را به بلا و مصیبتی در بدن و یا مال و یا مصیبت فرزند مبتلا می‌سازد تا اگر صبر و تحمل نماید خداوند او را به آن درجه برساند.

در برخی روایات، به درجاتی از بهشت اشاره شده که راه رسیدن انسان مؤمن به آن فقط با سختی و تحمل بلا میسر می‌شود. چنانکه رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَازِلَ لَا يَنَالُهَا الْعِبَادُ بِأَعْمَالِهِمْ لَيْسَ لَهَا عِلَاقَةٌ مِنْ فَوْقِهَا وَلَا عِمَادٌ مِنْ تَحْتِهَا» [۱۵] در بهشت منزلگاه‌هایی است که نه به چیزی آویزان است و نه تکیه گاهی در زیر دارد (بلکه معلق است) و بندگان با اعمال خود نمی‌توانند به آنها دست یابند». کسی از آن حضرت پرسید: صاحبان این منزل‌ها چه کسانی هستند؟ آن حضرت فرمود: «هُمْ أَهْلُ الْبَلَاءِ وَالْهُمُومِ» [۱۶] آنها اهل بلاها و رنج‌ها هستند.

شهید مطهری در کتاب عدل الهی می‌فرماید: «در شکم گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها، نیک بختی‌ها و سعادت‌ها نهفته است، همچنان که گاهی هم در درون سعادت‌ها، بدبختی‌ها تکوین می‌یابند و این، فرمول این جهان است: «يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ» [۱۷] خدا شب را در (شکم) روز فرو می‌برد و روز را در (شکم) شب»

ضرب المثل معروفی است که می‌گوید: پایان شب سیه سپید است. این ضرب المثل تلازم قطعی بین تحمل رنج و نیل به سعادت را بیان می‌کند، گویی سپیدی‌ها از سیاهی‌ها زاییده می‌شوند. قرآن کریم برای بیان تلازم سختی‌ها و آسایش‌ها می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» [۱۸] پس حتماً با سختی، آسانی است، حتماً با سختی آسانی است.» فرمایش قرآن این نیست که بعد از سختی، آسانی است؛ بلکه این است که با سختی، آسانی است؛ یعنی آسانی در شکم سختی و همراه آن است.

ایشان در ادامه با بیان اینکه مصیبت‌ها و شدائد برای تکامل بشر ضرورت دارند و اگر محنت‌ها و رنج‌ها نباشد بشر تباه می‌گردد، می‌فرماید: «تضاد و کشمکش، شلاق تکامل است. موجودات زنده با این شلاق، راه خود را به سوی کمال می‌پیمایند. این قانون، در جهان نباتات، حیوانات و بالاخص انسان، صادق است.» [۱۹]

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در یکی از نامه‌های خود که به عثمان بن حنیف (فرماندار خویش در بصره) نوشته‌اند، این قانون بیولوژیک را گوشزد می‌کنند که: «در ناز و نعمت زیستن و از سختی‌ها دوری گزیدن، موجب ضعف و ناتوانی می‌گردد، و برعکس، زندگی کردن در شرایط دشوار و ناهموار، آدمی را نیرومند و چابک می‌سازد و جوهر هستی او را آبدیده و توانا می‌گرداند». این پیشوای بزرگ در این نامه، فرماندار خود را نکوهش می‌کند که چرا در مجالس شب‌نشینی اشراف شرکت کرده و در محفلی که بینوایان را در خود نپذیرفته و تنها ثروتمندان را در خود جای داده است گام نهاده است، و به همین مناسبت، زندگی ساده خویش را شرح می‌دهد و از پیروان خود (و مخصوصاً کارگزاران حکومت خود) می‌خواهد که به شیوه او تاسی جویند.

آنگاه برای بستن راه بهانه جوئی توضیح می‌دهد که شرایط ناهموار و تغذیه ساده، از نیروی انسان کم نکرده و قدرت را تضعیف نمی‌کند. درختان بیابانی که از مراقبت و رسیدگی مرتب باغبان، محروم هستند چوبشان محکم‌تر و دوامشان بیش‌تر است و برعکس، درخت باغستان‌ها که دائماً مراقبت شده و باغبان، به آنها رسیدگی می‌کند، نازک پوست‌تر و بی‌دوام‌ترند: «أَلَا وَ إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَ الرَّوَّاعِ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَ النَّابِتَاتِ الْعِذْيَةُ أَقْوَى وَ قُوداً وَ أَبْطَأُ خُمُوداً؛ آگاه باشید! درختان بیابانی، چوبشان سخت‌تر، و درختان کنار جویبارها، پوست‌شان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتششان شعله‌ورتر و بادوام‌تر است.» [۲۰]

۴ - حفظ و تقویت ایمان

یکی دیگر از محاسن بلا و مصیبت، حفظ و تقویت ایمان است. چنانچه رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «جبرئیل گفت که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلَحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْفَقْرِ وَ لَوْ أَغْنَيْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلَحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالْغِنَى وَ لَوْ أَفْقَرْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلَحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالسُّقْمِ وَ لَوْ صَحَّحْتُ جِسْمَهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ لَا يَصْلَحُ إِيْمَانُهُ إِلَّا بِالصَّحَّةِ وَ لَوْ أَسْقَمْتُهُ لَأَفْسَدَهُ ذَلِكَ إِنْ أَدْبَرُ عِبَادِي بَعْلَمِي بِقُلُوبِهِمْ فَإِنِّي عَلِيمٌ خَبِيرٌ» [۲۱] در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که به جز فقر و تهیدستی چیزی ایمانش را اصلاح نمی‌کند که اگر ثروتمندش نمایم، همین ثروت موجب فساد و تباهی ایمانش می‌شود. و در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با ثروت، ایمانش اصلاح نمی‌شود و اگر تهیدستش نمایم، فقر و تهیدستی باعث فساد و تباهی ایمانش می‌گردد. و در میان بندگان مؤمنم، کسی هست که جز با مریضی، ایمانش اصلاح نمی‌گردد و اگر جسمش را سالم کنم همین سلامتی، ایمانش را از بین می‌برد و در بین بندگان مؤمنم، کسی هست که جز

با سلامتی و صحت، ایمانش اصلاح نمی‌شود که اگر مریضش کنم، همین مریضی، ایمانش را تباه می‌کند. من بواسطه علمی که به درون و قلوب بندگانم دارم (امور) آنها را تدبیر می‌کنم. بدرستی که من دانا و آگاهم.»

قرآن کریم با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» [۲۲] چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

۵ - پیشگیری و درمان

با بررسی آیات و روایات ائمه معصومین، به خوبی مشاهده می‌شود که بسیاری از بلاها جنبه پیشگیری و درمان دارند؛ چنانچه گاه، بلایی بنده را به پیش رانده و یا او را از انجام کاری که به مصلحت نیست، باز می‌دارد و یا خطا و انحرافی را جبران می‌کند و گاه بلا، در حکم هشدار است که انسان را از خطر باز می‌دارد.

شکوفای شدن استعدادها و نهفته انسانی یکی دیگر از علل و حکمت‌های مصایب است

۵.۱ - هشدار

قرآن مجید درباره اثر هشدار دهندگی برخی بلاها چنین می‌فرماید: «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» [۲۳] به آنان از عذاب نزدیک (عذاب این دنیا) پیش از عذاب بزرگ (آخرت) می‌چشانیم، شاید باز گردند!.

و نیز می‌فرماید: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ» [۲۴] هنگامی که انسان را زبانی رسد، پروردگار خود را می‌خواند و بسوی او باز می‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود، به او عطا کند، آنچه را بخاطر آن قبلاً خدا را می‌خواند از یاد می‌برد.»

پس؛ سختی و زیان، موجب می‌شود که انسان متوجه خدای خود شده و به راز و نیاز با او بپردازد. همه ما چنین اثری را تجربه کرده‌ایم که در سختی‌ها بیش‌تر به خداوند روی می‌آوریم. قرآن کریم با اشاره به این مطلب، در مورد برخی افراد می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» [۲۵] هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می‌خوانند (و غیر او را فراموش می‌کنند)؛ اما هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرک می‌شوند! (و خدا را فراموش می‌کنند)»

امام علی (علیه‌السلام) در خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ اغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَ يَقْلَعَ مُقْلَعٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَ يَزْدَجِرَ مُزْدَجِرٌ؛ خداوند بندگان خود را هنگام ارتکاب گناه، با کمبود میوه‌ها، و جلوگیری از نزول برکات، و بستن در گنج‌های

خیرات، مبتلا می‌سازد؛ برای آنکه، توبه کننده‌ای باز گردد و (دل) کننده‌ای (از گناه)، (دل) بگند، و پند گیرنده‌ای، پند گیرد، و باز دارنده‌ای (بندگان خدا را از نافرمانی) باز دارد.» [۲۶]

ذکر این نکته ضروری است که بلاها تنها برای هشدار دادن به خود بلا دیده نیست، بلکه دیگران نیز باید با دیدن و شنیدن بلا و مصیبتی که برای دیگران فرود آمده، هشیار شوند و بدانند این برنامه‌ها مختص به افراد خاص نیست، و ممکن است هر زمان، گریبان افرادی را گرفته و آنان را مورد امتحان و آزمایش قرار دهد. بنابراین لازم است انسان، مصیبت‌های دیگران را هشدار برای خود نیز بداند و از آن عبرت بگیرد.

۵.۲ - جبران

جبران خطاها و گناهان انسان مؤمن، علتی دیگر بر بلاهایی است که بر او وارد می‌شود. رسول مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با بیان این نکته که؛ برخی گناهان جز به وسیله بلا و سختی جبران نمی‌شود، می‌فرماید: «إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يُكَفِّرُهَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحَزْنِ لِيُكَفِّرَهَا بِهِ عَنْهُ؛ [۲۷] هر گاه گناهان مومن زیاد گردند، و عمل (نیکی) نداشته باشد که کفاره آنها باشد، خداوند او را گرفتار پریشانی و اندوه می‌کند تا کفاره گناهان او باشد».

حضرت علی (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: «مَا مِنَ الشَّيْءِ عَبْدٌ يَقَارِفُ أَمْرًا نَهَيْنَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلِيَّةٍ تَمَحَّصُ بِهَا ذُنُوبُهُ إِمَّا فِي مَالٍ أَوْ فِي وَلَدٍ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَا لَهُ ذَنْبٌ وَ أَنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ ذُنُوبِهِ فَيُشَدُّ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ؛ [۲۸] اگر بنده‌ای از شیعیان، گناهی که ما او را از آن نهی کرده‌ایم مرتکب شود، قبل از اینکه از دنیا برود به یک گرفتاری مبتلا می‌شود که گناهانش بوسیله آن گرفتاری پاک گردد. (این گرفتاری‌ها) یا در مال و یا در فرزند و یا در خودش (ظاهر) می‌گردد. تا هنگامی که خداوند را ملاقات کند، برایش گناهی نباشد و اگر گناهی از وی باقی مانده باشد هنگام مرگ، بر وی سخت گرفته می‌شود (تا گناهانش آمرزیده گردد)»

امام صادق (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَجِدْ مَا يُكَفِّرُهَا بِهِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِالْحَزْنِ فِي الدُّنْيَا لِيُكَفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ أَلَّا أَصْقَمَ بَدَنَهُ لِيُكَفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ أَلَّا شَدَّ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِيُكَفِّرَهَا بِهِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَ أَلَّا عَذَّبَهُ فِي قَبْرِهِ لِيَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ لَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ ذُنُوبِهِ؛ [۲۹] چون گناهان بنده بسیار شود و نیابد چیزی را که جبران گناهان او را کند، خدا او را به اندوه در دنیا گرفتار سازد تا کفاره گناهان او گردد، پس اگر چنین کرد (خوب است) و گرنه بدنش را بیمار می‌کند تا گناهانش را بپوشاند، پس اگر چنین کرد (خوب است) و الا هنگام مرگش بر او سخن می‌گیرد تا به این وسیله گناهانش پاک شود، پس اگر چنین نمود (خوب است) و گرنه او را در قبرش عذاب می‌کند تا اینکه در روز قیامت که خدا را ملاقات می‌کند، در حالی ملاقاتش کند که چیزی از گناهانش که بخواهد بر ضرر او گواهی دهد باقی نمانده باشد.»

یکی از اصحاب به نام قبیصه بن هرمه می گوید: «من نزد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودم که زنی خدمت حضرت آمد و گفت: یا رسول الله به درگاه خدا برای من دعا فرمایید؛ زیرا فرزندم می میرند. حضرت فرمود: تاکنون چند فرزندت مرده اند؟ آن زن گفت: تا به حال سه فرزندم مرده اند. حضرت فرمود: از آتش جهنم بازداشته و ممنوع گردیدی و فرزندانت برای تو پناهگاه استوار و محکمی هستند و ترا از آتش جهنم حفظ می کنند.» [۳۰]

امام علی (علیه السلام) بیماری کودکان را کفاره گناهان پدر و مادر آنها معرفی کرده، می فرماید: «فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ فَقَالَ كَفَّارَةٌ لَوَالِدَيْهِ» [۳۱] بیماری که به کودک می رسد، کفاره و پاک کننده (گناه) والدین اوست».

۵.۳ - تادیب

دستورهایی از اولیای دین، به ما رسیده که انجام آنها واجب نیست؛ اما ترک کردنش، مانع کمال و رسیدن به درجات عالی است. چنین مواقعی (مانند معلم که از دانش آموز خوب و درس خوان، بیش تر توقع دارد و در صورت کوتاهی اندک، او را مورد تادیب قرار می دهد) خداوند رحیم و مهربان بندگان مؤمن و صالح را به خاطر کم ترین اشتباه، تادیب می کند تا پیمودن راه کمال در آنها کُند نشود. چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود: «و چه بسا! برخی از شیعیان ما، در آغاز کار، «بسم الله الرحمن الرحيم» را فراموش می کنند و او می گذارند! در نتیجه؛ خدا به گرفتاری و بلا، دچارشان می کند، برای اینکه آگاه و بیدارشان سازد! تا شکر و ثنای او را بجای آورند. و در آن گرفتاری و بلا، لگه ننگ و تقصیر و کوتاهی آنان را (به هنگام ترک بسم الله) بزداید!».

در ادامه، آن حضرت به این داستان اشاره می کند: «عبدالله بن یحیی، به حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد شد، و در مقابلش صندلی بود، امیرالمؤمنین (علیه السلام) به او دستور نشستن داد، و او هم، روی آن نشست. (ناگهان) صندلی، کج شد! و با سر (به زمین) فرود آمد و (سرش شکست) و استخوان سرش اندکی نمایان شد و خون، جاری گشت! امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستور داد آب آوردند و خون را از سر او شست. آنگاه فرمود: نزدیک من بیا. نزدش آمد. دست خویش را بر آن (زخمی) که استخوانش نمایان بود، گذاشت، عبدالله از درد بیتاب شد! حضرت بر آن، دست مالید و آب دهان انداخت. به مجرد این کار، زخمش خوب شد! آنچنان که گویی (اصلاً) جراحی به او نرسیده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ای عبدالله! حمد و ستایش برای خداوندی است که پاک کردن گناه شیعیان ما را (در دنیا) به رنج و محنتشان قرار داده است تا فرمانبری و طاعت آنان را، برایشان، بی آلایش و سالم گرداند، و مستحق اجر و ثواب آن گردند.

در برخی روایات، به درجاتی از بهشت اشاره شده که راه رسیدن انسان مؤمن به آن فقط با سختی و تحمل بلا میسر می شود

عبدالله بن یحیی گفت: یا امیرالمؤمنین! آیا به راستی؛ ما به گناهانمان مجازات نمی‌شویم، جز در دنیا؟! فرمود آری! (همین طور است) آیا نشنیدی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر؟»

خدا شیعیان ما را (به خاطر محنت و رنجی که در این دنیا متحمل‌اند، و به خاطر آمرزشی که نصیب آنان فرموده است) حتماً از گناهان، پاک و پاکیزه می‌گرداند! از این جهت است که خدا می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» [۳۲] هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند. تا هنگامی که به روز رستاخیز وارد شدند، طاعات و عبادات‌شان بر آنها، سرشار گردد؛ اما اگر از دشمنان محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دشمنان و بدخواهان ما (کار خیری سر بزنند) به فرمانبری و طاعتی که از آنان سر زده است، در دنیا، پاداش و جزا می‌دهد اگر چه طاعتشان بی وزن و بی‌ارزش است؛ چون خلوصی همراهش نیست. تا هنگامی که به آستان رستاخیز در آمدند، گناه و کینه خود (که از محمد و آل محمد: و یاران خوب او، در دل داشتند) بر آنان بار گردد و به خاطر آن، در آتش افکنده شوند. و هر آینه شنیدم: محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«در زمان‌های گذشته دو نفر بودند، یکی از آنها مطیع و مؤمن خدا بود و دیگری کافر (که آشکارا به دشمنی دوستان او، و دوستی با بدخواهان و دشمنانش، می‌پرداخت) و برای هر کدام (از این فرد مؤمن و کافر)، فرمانروایی و سلطنت عظیمی در گوشه‌ای از زمین بود. روزی آن کافر بیمار شد، و در غیر وقتش هوس ماهی کرد، چون آن نوع ماهی، در آن هنگام، در جایی وجود داشت که بدست آوردنش امکان نداشت، بنابراین، پزشکان او را از زندگی ناامید کردند و گفتند: جانشین و قائم مقامت را معین کن، که تو از اهل گورستانی و مرگت حتمی است و فقط شفایت در این ماهی است، که به آن میل و اشتها داری و بر آن (نیز) راهی نیست.

در این هنگام خدا فرشته‌ای برانگیخت، و به او فرمان داد که آن ماهی را از جایش برانگیزد و به طرفی سوق دهد که به دست آوردنش آسان شود. در نتیجه ماهی برایش گرفته شد. و آن را خورد و از ناخوشی بهبودی یافت. و در فرمانروایی‌اش سال‌های سال (بعد از آن) به جای ماند.

سپس تقدیر الهی چنین واقع شد که آن پادشاه مؤمن نیز مریض شد (همانند مرض آن کافر) و آن ماهی را درخواست نمود، پزشکان همان ماهی را برای او تجویز کردند که در محل پادشاهی او به راحتی قابل دسترس بود. در نتیجه پزشکان به پادشاه گفتند: آسوده خاطر باش، اکنون وقت آن است که برایت بگیرند، و از آن بخوری و شفا یابی.

در این هنگام، خدا آن فرشته را برانگیخت، و به او فرمان داد که جنس آن ماهی را از سواحل کرانه‌ها و گرداب‌ها براند، تا دسترسی به آن ممکن نشود. در نتیجه (آن ماهی) بدست نیامد. و آن مؤمن، بخاطر هوس (و دوری از درمانش) از دنیا رفت. از این جریان، فرشتگان آسمان و اهل آن سامان (در زمین) به شگفتی فرو

رفتند؛ تا آنجا که نزدیک بود در فتنه قرار گیرند؛ چون خدای تعالی (از روی فضل و حکمتش) بر آن کافر، آنچه را که بر او راهی نبود، آسان گردانید. و بر آن مؤمن، آنچه را که به سادگی، بر آن راهی بود، غیر ممکن گردانید. آنگاه خدا، به فرشتگان آسمان و پیامبر آن زمان (در زمین) وحی فرمود: البته من (بدون هیچ شک و شبهه‌ای) منم خدای کریم تفضل کننده توانا آنچه عطا کنم، زیانم نرساند و آنچه باز دارم، از من نکاهد و مقدار (ذره‌ای) به کسی ستم نکنم.

اما کافر؛ برای او، بدست آوردن ماهی را (در غیر زمانش) آسان نمودم، جهتش تنها این بود که جزای حسنه‌ای باشد که وی عمل کرده بود؛ (چون بر من حق است که از هیچ کس، حسنه‌ای از بین نبرم) تا به رستخیز در آید. و هیچ حسنه‌ای در نامه عملش نباشد و به کفر خویش، داخل آتش گردد. و بنده مطیع (خودم) را عین آن ماهی، باز داشتم؛ بسبب خطائی که از او سر زده بود و با منع و ردّ آن میل و هوس و از بین بردن آن دارو، پاک شدنش را از آن، اراده نمودم. و خواستم که به (آستان) من بیاید و (جرم و) گناهی در او نباشد و (پاک و پاکیزه) داخل بهشت گردد. در این هنگام؛ عبدالله بن یحیی گفت: یا امیرالمؤمنین! به حقیقت، بال و پرم دادی و مرا تعلیم فرمودی، پس اگر صلاح بدانی، گناهم را در اینجا (که به آن امتحان شدم) معرفی کنی تا همچنان تکرارش نکنم.

فرمود: لحظه‌ای که نشستی، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ نگفتی! نتیجه این شد که بخاطر سهو و نسیان از آنچه به آن دعوت گشتی و خوانده شدی، خدا به این مصیبت و گرفتاریت، تمحیص و پاکی از گناه قرار داد. آیا ندانستی که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از جانب خدای عزوجل فرمود:

«قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی: كُلُّ اَمْرِ ذِيْ بَالٍ لَا يُذْكَرُ بِسْمِ اللّٰهِ فِيْهِ فَهُوَ اَبْتَرُ. هر کار قابل توجه که در آن یادی از بسم الله نشود، ناقص و بریده است.»

گفتم: آری، پدر و مادرم فدای شما. بعد از این، ترکش نمی‌کنم. فرمود: در این صورت: از آن، بهره‌مند و سعادت‌مندی. [۳۳]

۶ - اجر و پاداش مصائب

امام صادق (علیه‌السلام) درباره پاداش برخی مصائب در زندگی انسان مؤمن می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْاَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى اَنْهُ قُرْضَ بِالْمَقَارِیْضِ؛ [۳۴] اگر مؤمن می‌دانست که در برابر مصائب چه پاداشی دارد، آرزو می‌کرد بدنش با قیچی قطعه قطعه شود!».

در حدیثی دیگر می‌فرماید: «اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی لَيَتَعَاهدُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلَاءِ اِمَّا بِمَرَضٍ فِيْ جَسَدِهِ اَوْ بِمُصِیْبَةٍ فِيْ اَهْلٍ اَوْ مَالٍ اَوْ مُصِیْبَةٍ مِنْ مَّصَائِبِ الدُّنْيَا لِيَاْجِرَهُ عَلَيْهَا؛ [۳۵] خداوند تبارک و تعالی، با گرفتاری‌ها به مؤمن توجه می‌کند؛ یا تن او را بیمار می‌کند، یا او را در سوگ یکی از اهل (خانه‌اش) می‌نشانند و یا یکی از سختی‌ها و رنج‌های دنیا را بر او چیره می‌کند. تا او را بر آنها پاداش دهد.»

روزی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خبر دادند که یکی از فرزندان معاذ از دنیا رفته و به شدت غمگین است. آن حضرت، نامه‌ای به این مضمون برای او نوشت: «از محمد فرستاده خدا به معاذ بن جبل، سلام بر تو باد! سپاس گویم خداوندی را که جز او معبودی نیست، اما بعد: خبر بی تابی در اندوه مرگ فرزندی به من رسید. همانا پسر از هدایای ارزنده الهی و از سپرده‌هایی بود که به طور موقت در دست تو بود، و خداوند تو را به او تا زمانی معین بهره‌مند ساخت، و به وقت رسیدن اجل، جان او را ستاند، فَاِنَّ لِلّٰهِ وَ اَنَا اَلَيْهِ رَاْجِعُوْنَ (زیرا ما از آن خدائیم و به سوی او باز می‌گردیم)، مبدا بی‌تابیت موجب تباهی پاداش تو گردد، و در صورتی که پاداش (بر) مصیبت را دریابی؛ خواهی دانست که این مصیبت، در مقابل پاداشی که خداوند برای اهل تسلیم و پایداری فراهم ساخته، بسیار ناچیز است. و آگاه باش که بی‌تابی، مرده را باز نگرداند، و سرنوشت را تغییر ندهد، بنابراین، صبر را نیکو دار و تحقق وعده الهی را بجوی، مبدا بر آنچه که بر تو و همه مردم حتمی است و در زمان و موعد خود نازل شدنی است تاسف بخوری! سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.» [۳۶]

در روایتی امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «فَاِنَّ عَظِيْمَ الْاَجْرِ لِمَنْ عَظِيْمَ الْبَلَاءِ وَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ قَوْمًا إِلَّا ابْتَلَاهُمْ؛ [۳۷] پاداش بزرگ، در مقابل گرفتاری بزرگ می‌باشد، و خداوند هرگاه قومی را دوست بدارد، آنها را مبتلا می‌کند.»

۷ - ارتباط با خدا

آنچه مسلم است اینکه؛ بلا و سختی موجب ارتباط بیش‌تر بین انسان مؤمن و معبود بی‌همتا می‌شود. طبق روایات بسیاری از ائمه اطهار: انسان مصیبت‌زده، آن قدر به خدا نزدیک می‌شود که خداوند دعای او را در حق دیگران مستجاب می‌کند.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ عَادَ مَرِيضًا فِي اللَّهِ لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعَائِدِ شَيْئًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ؛ [۳۸] کسی که برای خدا به عیادت بیماری برود، آنچه را که بیمار در حق او دعا کند خداوند آن را مستجاب می‌فرماید.»

به همین خاطر، آن حضرت به یاران خود سفارش می‌فرمود: «عُودُوا مَرْضَاكُمْ وَ سَلُّوهُمْ الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ يَعْدِلُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ؛ [۳۹] به عیادت بیمارانتان بروید و از آنها بخواهید که (برای شما) دعا کنند، چون دعای آنها با دعای فرشتگان برابر است.»

۸ - وسیله توجه و محبت

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَإِذَا أَحَبَّهُ الْحُبُّ الْبَالِغُ افْتَنَاهُ؛ آن هنگام که خداوند، بنده‌ای را دوست بدارد، او را گرفتار می‌کند. و اگر محبت خداوند به او بیش از اندازه باشد، او را گرفتار فنا می‌کند.»

از حضرت پرسیدند: گرفتار فنا شدن چگونه است؟ فرمود: «أَلَا يَتْرُكُ لَهُ مَالًا وَلَا وَلَدًا؛ [۴۰] این گونه که نه مالی برای او باقی می‌گذارد و نه فرزندی.»

۹ - عکس العمل مردم در مقابل بلا

همانگونه که میزان شناخت انسان‌ها از دین متفاوت است، عکس العمل آنها در مقابل حوادث و مشکلات نیز متفاوت است. با توجه به قرآن و روایات، برخورد انسان‌ها را در قبال بلاها و مصائب این گونه می‌توان بیان کرد:

۹.۱ - جزع

عده‌ای در مقابل بلاها جزع کرده و بی‌تابی می‌نمایند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعٌ؛ [۴۱] به یقین انسان، حریص و کم‌طاقت آفریده شده است، هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند.»

همچنین می‌فرماید: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ؛ [۴۲] و اما هنگامی که برای امتحان، روزیش را بر او تنگ می‌گیرد (مایوس می‌شود و) می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است!»

امام صادق (علیه‌السلام) مردی را دید که برای فرزندش بی‌تابی می‌کرد فرمود: «يَا هَذَا جَزَعْتَ لِلْمُصِيبَةِ الصَّغْرَى وَ غَفَلْتَ عَنِ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى لَوْ كُنْتَ لِمَا صَارَ إِلَيْهِ وَلَدَكَ مُسْتَعِدًّا لَمَا اشْتَدَّ عَلَيْهِ جَزَعُكَ فَمُصَابِكَ بِتَرَكِكَ الْأُسْتِعْدَادَ أَعْظَمُ مِنْ مُصَابِكَ بِوَلَدِكَ؛ [۴۳] ای مرد، برای مصیبت کوچک بی‌تابی می‌کنی و از مصیبت بزرگ، غافل. اگر تو برای راهی که فرزندت رفته آماده بودی این قدر بر او بی‌تابی نمی‌کردی. مصیبت آماده نبودنت بزرگ‌تر از داغ فرزندت است.»

شهید مطهری؛ در این باره می‌فرماید: «از این نکته نباید غفلت ورزید که مصائب، وقتی نعمت هستند که انسان از آنها بهره‌برداری کند و با صبر و استقامت و مواجهه با دشواری‌هایی که مصائب تولید می‌کنند، روح خود را کمال بخشد؛ اما اگر انسان در برابر سختی‌ها، فرار را انتخاب کند و ناله و شکوه سر دهد، در این صورت بلا از برای او واقعاً بلاست.»

حقیقت این است که نعمت‌های دنیا نیز مانند مصائب، ممکن است مایه رقاء و سعادت باشد، و ممکن است مایه بدبختی و بیچارگی گردد. نه فقر، بدبختی مطلق است نه ثروت خوشبختی مطلق، چه بسا فقرهایی که موجب تربیت و تکمیل انسان‌ها گردیده، و چه بسا ثروت‌هایی که مایه بدبختی و نکبت قرار گرفته است. امنیت و ناامنی نیز چنین است. برخی از افراد یا ملت‌ها در هنگام امنیت و رفاه، به عیاشی و تن‌پروری می‌افتند و در نتیجه، در پرتگاه خواری و ذلت سقوط می‌کنند و بسیاری دیگر از ملت‌ها از شلاق بدبختی و گرسنگی به جنبش در می‌آیند و به آقایی و عزت می‌رسند.

سلامت و بیماری، عزت و ذلت، سایر مواهب و مصائب طبیعی نیز مشمول همین قانون است. نعمت‌ها و همچنین شدائد و بلاها، هم موهبت است؛ زیرا از هریک از آنها می‌توان بهره‌برداری‌های عالی کرد، و نیز ممکن است بلا و بدبختی شمرده شوند، زیرا ممکن است هریک از آنها مایه بیچارگی و تنزل گردند. هم از راه فقر می‌توان به سعادت رسید و هم از راه ثروت، و از هر دو راه نیز ممکن است آدمی به بدبختی برسد. علیهذا نعمت بودن نعمت، بستگی دارد به نوع عکس العمل انسان در برابر آن نعمت، که شاکر باشد یا کفور، و همچنین نعمت بودن نعمت، بستگی دارد به نوع عکس العمل انسان در برابر آن که صابر و خوشتن‌دار باشد یا سست عنصر و بی اراده. [۴۴]

۹.۲ - صبر

بعضی از افراد در مقابل بلاها، صبر و استقامت را پیش خود می‌سازند. در اسلام برای صابرین در مقابل بلاها اجر بسیاری شمرده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» [۴۵] «و بشارت ده به استقامت کنندگان! آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم!»

همچنین می‌فرماید: «إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» [۴۶] صابران اجر و پاداش خود را بی حساب دریافت می‌دارند. (ترجمه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی.)

۹.۳ - شکر و رضا

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ فَإِنْ صَبَرَ اجْتَبَاهُ وَإِنْ رَضِيَ اصْطَفَاهُ» [۴۷] چون خدا بنده‌ای را دوست بدارد او را (در دنیا) مبتلا می‌گرداند، پس اگر صبر کرد او را بر می‌گزیند و اگر راضی (و خشنود) شد او را خالص می‌گرداند.»

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ» [۴۸] بار خدایا تو را ستایش می‌کنیم ستایش سپاس‌گزاران بر مصیبتی که بر آنان وارد می‌شود.»

۱۰ - وظیفه مؤمنین در قبال مصائب

اگر چه بلاها در زندگی انسان‌ها به خصوص مؤمنین امری طبیعی است و باعث ترفیع درجه، پاک شدن گناهان و ... می‌شود؛ اما باید دانست خود را در دام سختی‌ها انداختن و یا رنج و بلا را از خداوند متعال درخواست کردن، مورد نکوهش بسیار قرار گرفته است.

چنانکه روزی رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای عیادت بیماری بر بستر او حاضر شد و از او احوال‌پرسی کرد. آن بیمار عرض کرد: «نماز مغرب را به امامت شما به جا آوردم و شما در نماز سوره قارعه را خواندید. پس از آن با خود گفتم پروردگارا! اگر من گناهی کرده‌ام که می‌خواهی در آخرت مرا به کیفر آن

برسانی، پس از تو می‌خواهم که تعجیل کنی و در دنیا مرا پاک گردانی. پس از این دعا بود که چنین بیمار شدم.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او فرمود: «بِسْمَا قُلْتَ أَلَا قُلْتَ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ فَدَعَا لَهُ حَتَّى أَفَاقَ؛ [۴۹] چیز بدی گفתי، چرا چنین دعا نکردی که: پروردگارا، نیکی دنیا و آخرت را نصیب ما کن و ما را از عذاب آخرت در امان بدار. پس از آن، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای آن مرد بیمار دعا کرد و او بهبود یافت.»

امام صادق (علیه‌السلام) نیز به اصحاب خود سفارش می‌فرمودند که: «سَلُّوا رَبَّكُمْ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فَإِنَّكُمْ لَسْتُمْ مِنْ رِجَالِ الْبَلَاءِ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَقُّوا بِالْمَنَاشِيرِ عَلَى أَنْ يُعْطُوا الْكُفْرَ فَلَمْ يُعْطَوْهُ؛ [۵۰] از پروردگار خود عفو و عافیت درخواست کنید چون شما مرد (میدان حوادث و) بلیات نیستید. امت‌های پیش از شما از گروه بنی اسرائیل، افرادی بودند که بدنشان را با اهره نجاری دو نیم می‌کردند که (آنها تسلیم شوند و) کفر را (بر ایمان) ترجیح دهند؛ ولی آنان به هیچ‌وجه کفر را بر نمی‌گزیدند.»

سیره انبیا و اولیای الهی بر این بوده است که هیچ‌گاه از خداوند، بلا و مصیبت نخواسته‌اند و همواره درخواست رفع بلا و طلب عافیت بوده است. پس؛ مؤمن نباید خود را (برای رسیدن به ثواب) در معرض بیماری و بلا قرار دهد؛ چنانکه امام سجاد (علیه‌السلام) در دعا‌های خود، رهایی از بلا و بیماری را طلب کرد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَالْبِسْنِي عَافِيَتَكَ، وَجَلِّلْنِي عَافِيَتَكَ، وَحَصِّنِّي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَكْرَمْنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ أَغْنِنِي بِعَافِيَتِكَ، وَ تَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي عَافِيَتَكَ وَ أَفْرِشْنِي عَافِيَتَكَ، وَ أَصْلِحْ لِي عَافِيَتَكَ، وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَافِيَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَةً تُولَدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ [۵۱] بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و تندرستیت را بر من بپوشان، و مرا به تندرستیت فرو بر، و به تندرستیت نگاهدار، و به تندرستیت گرامی‌ام فرما، و به تندرستی بی‌نیازم گردان، و تندرستیت را به من عطا کن، و تندرستیت را به من ببخش، و تندرستیت را برایم بگستران، و تندرستیت را به من شایسته نما، و میان من و تندرستیت در دنیا و آخرت جدایی میاندا. بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و مرا تندرستی ده، تندرستی که مرا (از پزشکان یا از درخواست) بی‌نیاز کند و (بیماری‌های ظاهری و باطنی را) بهبودی ببخشد و بالاتر و برتر (از بیماری‌ها بطوری که بر هر مرض تسلط داشته) و افزون شونده باشد، تندرستی که در تنم تندرستی دنیا و آخرت بیاورد.»

۱۰.۱ - صبر و شکیبایی

آنچه از آیات و روایات ائمه اطهار: بدست می‌آید در مقابل بلا و مصائب، چند چیز مورد سفارش قرار گرفته است.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَهُوَ مُبْتَلَى بِبَلَاءٍ مُنْتَظَرٍ بِهِ مَا هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ فَإِنْ صَبَرَ عَلَى الْبَلِيَّةِ الَّتِي هُوَ فِيهَا عَافَاهُ اللَّهُ مِنَ الْبَلَاءِ الَّذِي يَنْتَظَرُ بِهِ وَ إِنْ لَمْ يَصْبِرْ وَ جَزَعَ نَزَلَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ الْمُنْتَظَرِ أَبَدًا

حَتَّى يُحْسِنَ صَبْرَهُ وَ عَزَاءَهُ؛ [۵۲] هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه به بلائی گرفتار است و بلای بزرگ‌تر و گرفتاری شدیدتری هم به دنبال او در انتظار است. اگر در همان بلا صبر و شکیبایی داشته باشد خداوند آن بلای بزرگ‌تر را برطرف می‌نماید و اگر صبر نکرده و بی‌تابی نماید بلای بزرگ‌تر که در انتظار او است فرا می‌رسد و مرتب گرفتاری‌ها بیش‌تر می‌گردد تا وقتی که صبر نیکو و شکیبائی را انتخاب کند.»

۱۰.۲ - دعا

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزِلُ بِهِمُ النَّقْمُ وَ تَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَزِعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَ وَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَ أَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ؛ [۵۳] [۵۴] اگر مردم به هنگام نزول عذاب‌ها، و گرفته شدن نعمت‌ها، با درستی نیت و با قلب‌های پر از محبت در پیشگاه خدا زاری کنند، آنچه از دست‌شان رفته را باز خواهد گرداند، و هرگونه فسادى را برای آنان اصلاح خواهد کرد.»

۱۰.۳ - صدقه

«صدقه» از سفارشات اسلام است و علاوه بر اینکه برای پیشگیری از گرفتاری و دور کردن بلاهای مقدر شده، بسیار مؤثر است برای خلاصی از بلا نیز مورد سفارش قرار گرفته است.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: تَصَدَّقُوا وَ دَوُّوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفَعُ عَنِ الْأَعْرَاضِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ هِيَ زِيَادَةٌ فِي أَعْمَارِكُمْ وَ حَسَنَاتِكُمْ؛ [۵۵] صدقه بدهید و بیماران خود را با صدقه درمان کنید؛ زیرا صدقه، از پیشامدهای ناگوار و بیماری‌ها جلوگیری می‌کند و بر عمر و حسنات شما می‌افزاید.»

۱۰.۴ - اندیشه و عبرت

موعظه دادن به مؤمنان از حکمت‌های نزول بلا است. پس باید در هنگام رسیدن بلا و مصیبت، برای پی‌بردن به حکمت آن تلاش کنیم؛ تا اگر عقوبت است، استغفار کنیم، اگر تادیب و هشدار است هشیار شویم، و اگر یادآوری وظیفه است، به یاد آن بیافسیم....

۱۰.۵ - تسلیم در برابر خواست خدا

از جمله سفارش‌های اولیای دین تسلیم شدن در برابر خواست خداوند متعال می‌باشد. حکایت شده است که: «فردی درون چاه افتاده بود و مرتب تقاضای کمک می‌کرد. مردی که از کنار چاه می‌گذشت به کمک او رفت و به آن فرد گفت: صبر می‌کنی تا طنابی بیابم و باز گردم؟ فرد درون چاه گفت: اگر صبر نکنم چه کنم.»

صبر بر بلا و سختی‌ها زمانی با ارزش است که با رضایت کامل در مقابل خواست الهی باشد نه با ناراحتی و شکایت از اوضاع موجود. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اَوْحَى اللَّهُ لِي تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ تُرِيدُ وَ أَرِيدُ وَلَا يَكُونُ إِلَّا مَا أَرِيدُ فَإِنْ أَسْلَمْتَ لِمَا أَرِيدُ أُعْطِيتُكَ مَا تُرِيدُ وَ إِنْ لَمْ تُسَلِّمْ لِمَا أَرِيدُ أَتَعْبِتُكَ فِيمَا تُرِيدُ ثُمَّ لَا

يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ؛ [۵۶] خداوند متعال به داوود وحی فرمود: ای داوود! تو می‌خواهی و من می‌خواهم؛ ولی فقط آن چیزی واقع می‌شود که من می‌خواهم. پس، اگر تسلیم خواست من شوی، خواست تو را هم تامین می‌کنم؛ اما اگر تسلیم خواست من نشوی، تو را در راه خواسته‌ات به رنج و زحمت می‌افکنم و آنگاه همان می‌شود که من می‌خواهم.»

۱۱ - نتیجه گیری

۱. بلا و مصیبت، علل مختلفی دارد و لازم است انسان مؤمن با دقت، عوامل آن را بررسی کرده و در قبال آن به وظیفه خود عمل نماید.

۲. باید به خاطر سپرد که انسان مؤمن مورد بلا و مصیبت قرار می‌گیرد؛ چرا که حکمت نزول بلا برای بندگان خالص، آسایش سرای جاویدان است.

۳. صبر و تسلیم، راز پیروزی در امتحان الهی است؛ و مصائب، هدیه‌ای الهی برای افراد پرهیزگار است.

۱۲ - پانویس

۱. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۵.
۲. ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۳.
۳. ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۲.
۴. ↑ انبیاء/سوره ۲۱، آیه ۳۵.
۵. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۶۵، قم، انتشارات داوری، اول.
۶. ↑ احزاب/سوره ۳۳، آیه ۱۰.
۷. ↑ طه/سوره ۲۰، آیه ۸۵.
۸. ↑ فجر/سوره ۸۹، آیه ۱۵ - ۱۶.
۹. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۹.
۱۰. ↑ محمد/سوره ۴۷، آیه ۴.
۱۱. ↑ تغابن/سوره ۶۴، آیه ۱۵.
۱۲. ↑ امام علی علیه‌السلام، نهج البلاغه، قصار ۹۳، محمد دشتی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱۳. ↑ شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳.
۱۴. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۹۴.
۱۵. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۴.
۱۶. ↑ ابن فهد حلی، احمد بن فهد، عدّه الداعی، ص ۲۴۰.
۱۷. ↑ حدید/سوره ۵۷، آیه ۶.
۱۸. ↑ انشراح/سوره ۹۴، آیه ۵ - ۶.
۱۹. ↑ مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۱۵۲.
۲۰. ↑ امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۴۵.
۲۱. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، توحید، ص ۴۰۰، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ه. ق.
۲۲. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۱۶.
۲۳. ↑ سجده/سوره ۳۲، آیه ۲۱.
۲۴. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۸.
۲۵. ↑ عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۶۵.
۲۶. ↑ امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.
۲۷. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۵۷.
۲۸. ↑ محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ه. ق.
۲۹. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۳۷۰.
۳۰. ↑ محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۹۷.
۳۱. ↑ شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۶، ص ۵۲.
۳۲. ↑ شوری/سوره ۴۲، آیه ۳۰.
۳۳. ↑ منسوب به امام حسن عسکری، تفسیر امام عسکری، ص ۲۳ - ۲۵، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی ۴، اول، ۱۴۰۹ ه. ق.
۳۴. ↑ محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۴.

۳۵. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۳۶.
۳۶. ↑ محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۵۳.
۳۷. ↑ شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۹.
۳۸. ↑ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۰، قم، مؤسسه آل البيت: ۱۴۰۹، ه. ق.
۳۹. ↑ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۱.
۴۰. ↑ ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۳۱۸، قم، کتابخانه ایت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴۱. ↑ معارج/سوره ۷۰، آیه ۱۹ - ۲۰.
۴۲. ↑ فجر/سوره ۸۹، آیه ۱۶.
۴۳. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۴۳۹.
۴۴. ↑ مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص ۱۵۹-۱۶۰.
۴۵. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۱۵۵-۱۵۶.
۴۶. ↑ زمر/سوره ۳۹، آیه ۱۰.
۴۷. ↑ شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسکن الفواد عند فقد الاجبه و الاولاد، ص ۸۰، قم، کتابخانه بصرتی.
۴۸. ↑ ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۱۷۹، قم، انتشارات مرتضویه، ۱۳۵۶ ق.
۴۹. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۴.
۵۰. ↑ برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۵۰، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق، قم، دوم.
۵۱. ↑ امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجاده، ص ۱۳۲، دعای ۲۳، قم، دفتر نشر الهادی، اول، ۱۳۷۶.
۵۲. ↑ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۲۲، قم، مؤسسه آل البيت.
۵۳. ↑ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۸۴.
۵۴. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶، ص ۵۷.

۵۵. ↑ متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، ج ۶، ص ۳۷۱، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ق، چ پنجم.

۵۶. ↑ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۰۴.